

بررسی و نقد کتاب

حسن دری*

مقدمه

مقدس، تنها اندکی از زوایای گوناگون آن مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و آثار معدودی در خصوص این حماسه‌ی ارزشمند به رشته‌ی تحریر درآمده است. هر چند مراکز فرهنگی و تحقیقاتی دفاع مقدس برای درک و تبیین رسالت تاریخی آن می‌کوشند تا با استفاده از متقن‌ترین اسناد و مدارک با به کارگیری شیوه‌ی مناسب، به تحقیق و واکاوی

در طول هشت سال جنگ تحمیلی، قوای نظامی جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد استراتژی نظامی و سیاسی، عملیات‌های متعددی را طراحی و اجرا کردند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عملیات گسترده "الفجر ۸" بود.

عملیات والفجر ۸ در چارچوب استراتژی "ننبیه متجاوز" با هدف تصرف شبه‌جزیره‌ی فاو و انسداد راه ارتباطی عراق با خلیج فارس، در طول ۹ ماه با تلاش سپاه پاسداران طراحی و مقدمات اجرای آن فراهم شد. عملیات در ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ آغاز و در ۹ اردیبهشت ۱۳۶۵ پایان پذیرفت.

در پی حدود دو ماه و نیم نبرد بی‌امان، ۱۴۰ گردان پیاده از نیروهای سپاه پاسداران که یگان‌های بسیاری از سپاه پاسداران و واحدهایی از نیروهای سه گانه ارتش آن‌ها را پشتیبانی می‌کردند. بخش عمده‌ی شبه‌جزیره‌ی فاو را فتح کردند و بدین ترتیب، بزرگ‌ترین پیروزی نظامی قوای مسلح ایران را پس از فتح خرمشهر، رقم زدند.

با گذشت بیش از بیست و پنج سال از عملیات افتخارآفرین "الفجر ۸"، همانند دیگر ابعاد دفاع



* کارشناس و پژوهش‌گر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال دهم □ شماره سی و نهم □ زمستان ۱۳۹۰

فصل دوم کتاب دارای سه بخش است که در هر بخش به نقش یکی از نیروهای زمینی، هوایی و دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات والفجر ۸ پرداخته شده است. نویسنده در این فصل با ارائه چند سند و مصاحبه و برداشت‌های شخصی، نقش ارتش را از طراحی تا پایان عملیات، به تفکیک سه نیرو به اختصار بیان کرده است. بیش‌ترین مطالب در این فصل در مورد عملکرد توپخانه‌ی ارتش در بخش نیروی زمینی است.

فصل سوم کتاب به دستاوردهای آموزشی توپخانه در عملیات می‌پردازد. نویسنده در این فصل نقاط قوت و ضعف عملکرد واحدهای توپخانه در عملیات والفجر ۸ را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است. ملاک ارزیابی نویسنده، در این فصل اغلب مصاحبه‌هایی است که با برخی خدمه‌های توپ و فرماندهان واحدهای توپخانه - که جمعاً بیست نفر می‌باشند- انجام شده است، در پایان فصل نویسنده دلیل این امر را دست‌رسی نداشتن به اسناد و مدارک مربوط به عملیات والفجر ۸ اعلام می‌کند.

هدف و اهمیت کتاب

به طور معمول، نویسنده هدف از نگارش کتاب را در مقدمه‌ی آن بیان می‌کند، اما در این کتاب نگارنده در بخش سخنی با خوانندگان، هدف خود را چنین بیان کرده است: «ارتقاء فرهنگ سازمانی، نگاه آموزشی داشتن و نمایاندن هم‌کاران خود و احترام به پیشکسوتان»

نویسنده به دلیل آشنایی نداشتن با مفهوم واژگان، نتوانسته به طور صحیح، هدف پژوهش خود را بیان کند، اما آن‌گونه که از متن کتاب بر می‌آید وی کوشیده تا نقش آفرینی نیروی زمینی، دریایی و هوایی ارتش جمهوری اسلامی در عملیات والفجر ۸ را بیش از آنچه بوده است، مورد توجه قرار دهد.

درباره‌ی ابعاد گوناگون این عملیات و نگارش آثاری در این زمینه پردازند، اما متأسفانه تاکنون تنها تعداد اندکی (کم‌تر از ده عنوان) کتاب در خصوص این حماسه‌ی عظیم منتشر شده است. نوشتار حاضر به معرفی، نقد و بررسی کتاب ارتش در فاو که در خصوص عملیات والفجر ۸ به نگارش در آمده است، می‌پردازد.

معرفی کتاب

کتاب ارتش در فاو (عملیات والفجر ۸) نوشته‌ی سرهنگ هیبت‌الله اسدی، در قطع وزیری و ۲۶۱ صفحه با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و بهای ۳۰۰۰۰ ریال توسط انتشارات ایران سبز (وابسته به هیئت معارف شهید صیادشیرازی) در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است. در ابتدای کتاب نخست توضیحاتی در مورد هیئت معارف شهید صیادشیرازی و نیز نویسنده و آثار وی آمده، و بعد از پیشگفتار و سخنی با خوانندگان، نویسنده به موضوع اصلی کتاب می‌پردازد.

با گذشت بیش از بیست و پنج سال از عملیات افتخار آفرین "والفجر ۸"، همانند دیگر ابعاد دفاع مقدس، تنها اندکی از زوایای گوناگون آن مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و آثار معدودی در خصوص این حماسه‌ی ارزشمند به رشته‌ی تحریر در آمده است

کتاب شامل ۳ فصل است:

فصل اول با عنوان "طرح اولیه‌ی عملیات والفجر ۸" ضمن بازنگری نتایج عملیات‌های رمضان تا والفجر ۸، نگاهی اجمالی به عوامل تأثیرگذار در عملیات والفجر ۸ دارد. این فصل با بیان آخرین وضعیت نیروهای ارتش و سپاه و نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد. در این فصل آنچه مشاهده نمی‌شود طرح اولیه‌ی عملیات والفجر ۸ است و فقط موضوعات پراکنده مورد بازبایی و نقادی قرار گرفته است.

اسناد موجود (که در کتاب آمده است) کمک قابل توجهی در تدوین یک کتاب جامع نخواهد کرد، اما همین اسناد محدود، نشانه‌ی خوبی برای شروع و تعیین روش تحقیق در عملیات به حساب می‌آیند. بنابراین کار را ابتدا با مراجعه به یگان‌های توپخانه و سپس به قرارگاه‌های درگیر پی‌گیری نمودم و از طریق گفت و گو با هم‌کاران به این واقعیت کاربردی رسیدم که دامنه‌ی شرکت یگان‌ها فراتر از آن است که فقط توپخانه را شامل شود. به همین انگیزه دامنه‌ی فعالیت خود را توسعه دادم و تحقیق را با عنوان "ارتش در فاو" پی‌گرفتم.

وی در پایان یادآور می‌شود: "به منظور جذاب

متأسفانه نویسنده بی آن که آگاهی کافی از موضوع و روش تحقیق داشته باشد، علاوه بر تضعیف ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدیریت جنگ را مورد چالش و نقدی بی‌اساس قرار داده و بدین ترتیب، خدشه‌ی بی‌تاریخ جنگ وارد کرده است.

کتاب ارتش در فاو که با رویکرد عملیاتی - تحلیلی نگاشته شده است به دو دلیل عمده فاقد اهمیت لازم می‌باشد:

۱. نداشتن چارچوب و ویژگی علمی (به دلایلی که در ادامه بیان خواهد شد).

۲. اطلاعات گردآوری شده و ادعاهای نویسنده نسبت به موضوع کتاب ناقص و مبهم است و بیش‌تر آن‌ها فاقد ارزش اسنادی می‌باشند. البته نویسنده چندین بار در کتاب، به نبود اسناد و مدارک عملیات والفجر ۸ در سازمان ارتش اشاره کرده است، با این حال به تحقیق، بدون در اختیار داشتن اسناد و مدارک، اصرار ورزیده است.

نویسنده‌ی کتاب هیچ‌گونه سابقه و تجربه‌ی تحقیق و پژوهش در زمینه‌ی دفاع مقدس ندارد. براساس مطالبی که در آغاز کتاب تحت عنوان "آشنایی با مؤلف" و "سایر تألیفات و آثار سرهنگ هیبت‌الله اسدی" آمده است، بیش‌ترین آثار وی درباره‌ی توپخانه با کارکرد مراکز آموزشی بوده است. همچنین حضور نداشتن وی در عملیات به منزله‌ی عنصری اثرگذار در رده‌ی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از اهمیت تاریخ‌نگاری کتاب کاسته است.

روش تحقیق

نویسنده در خصوص روش تحقیق خود در پیشگفتار کتاب آورده است:

"[...] برابر یک برنامه‌ی مدون‌شده کار خود را با جمع‌آوری مدارک آغاز کردم، خیلی زود دریافتم

کتاب ارتش در فاو به دو دلیل عمده فاقد اهمیت لازم می‌باشد:

۱. نداشتن چارچوب و ویژگی علمی (به دلایلی که در ادامه بیان خواهد شد).

۲. اطلاعات گردآوری شده

و ادعاهای نویسنده نسبت به موضوع کتاب ناقص و مبهم است

کردن کتاب، از ادبیاتی متفاوت در نگارش آن بهره برده است. همچنین برای بهره‌گیری از دستاوردهای آموزشی این عملیات و طرح آن در کلاس‌های آموزش، فصلی را به این مبحث اختصاص داده است.

نویسنده روش تحقیق خود را توصیفی - تحلیلی عنوان کرده و ابزار این روش را، مصاحبه، اسناد و مدارک اختصاصی اولیه و مشاهدات تجربی محقق دانسته است.

محقق کتاب، مشاهدات میدانی از عملیات والفجر ۸ ندارد. گردآوری اطلاعات و داده‌های کتاب به طور عمده براساس مصاحبه با افراد حاضر یا دخیل در عملیات والفجر ۸ (البته با جامعه‌ی آماری نامشخص) و تعداد اندکی از اسناد، مدارک و منابع کتابخانه‌ی انجام گرفته است. بنابراین، شیوه‌ی ارجاع اطلاعات در این روش تحقیق تا حدودی،

مکتوب رسمی برای اثبات ادعاهای خود استفاده نکرده است.

فصل دوم کتاب در بردارنده‌ی موضوع اصلی تحقیق و شامل ۳ بخش است: در بخش اول به اقدامات نیروی زمینی در طول عملیات پرداخته شده است؛ بیش‌تر منابع این بخش، اسناد می‌باشد، در مجموع از ۲۰ سند، در این بخش استفاده شده که تاریخ صدور ۱۳ سند در روزهای ۲۰ تا ۲۵ بهمن ۱۳۶۴ و ۶ سند دیگر هم در روزهای ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۲۰، ۲۷ و ۲۸ اسفند ۱۳۶۴ و ۵ فروردین ۱۳۶۵ صادر شده‌اند.

موضوع اسناد، تغییر نام قرارگاه، اعلام ساعت تک ل ۲۱ در نهر خین و اعلام آخرین وضعیت و توصیه‌های عملیاتی، اعلام تک دشمن به ل ۹۲، پشتیبانی لجستیکی، واگذاری مهمات و... است. مزید بر این، اسناد گویاسازی و پردازش نشده است و از نظر کمی و کیفی، مدعای نویسنده را مبنی بر نقش و حضور بی‌بدیل ارتش در طراحی، اجرا و پشتیبانی عملیات اثبات نمی‌کند؛ در صفحه‌ی نخست فصل دوم (صفحات ۳۴، ۳۵) آمده است:

"نکته‌ی قابل ذکر، نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در این عملیات می‌باشد که در مدارک منتشرشده، کم‌رنگ و در بعضی اسناد بی‌رنگ گردیده است و این در حالی است که اگر با دید تحلیلی و منطقی از نقطه‌ی آغاز تا پایان و از جنبه‌های مختلف به این عملیات بنگریم، بدون تردید روشن می‌گردد به راستی اگر از توان ارتش در طرح‌ریزی، اجرا و پشتیبانی بهره برده نمی‌شد، این مهم، نه ممکن و نه موفقیت‌مورد نظر کسب می‌گردید."

در خصوص طرح‌ریزی عملیات هیچ سندی ارائه نشده و اسناد درج شده درباره‌ی اجرای عملیات هم به منطقه‌ی عملیاتی نهر خین در منطقه‌ی عمومی شلمچه مربوط است. در پشتیبانی عملیات هم در قیاس با یگان‌های درگیر در عملیات، وسعت منطقه‌ی عملیاتی، مدت زمان درگیری و ... تنها به

اصالت علمی دارد، زیرا به دو دلیل داده‌های تحقیق ماهیتی ثانویه و فرعی ندارند:

نخست این‌که اطلاعات خام و نگارش نشده است؛ علاوه بر این، افرادی که با آن‌ها مصاحبه شده در محل وقوع حادثه به طور مستقیم حاضر بوده‌اند. با این همه به نظر می‌رسد، تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری‌شده در این تحقیق متأثر از منافع، مصالح و جایگاه افراد مصاحبه‌شونده بوده؛ محقق جانبدارانه پژوهش کرده است.

عامل اصلی ضعف تحقیق را - که خود نویسنده هم در پیشگفتار کتاب به آن اذعان کرده است - می‌توان مربوط به ماهیت تحقیق دانست

زیرا این پژوهش در ابتدا از نوع مطالعه‌ی موردی با عنوان "نقش توپخانه‌ی ارتش در فاو" بوده است، اما متأسفانه از آن‌جا که نویسنده با طراحی و اجرای عملیات والفجر ۸ به طور کامل آشنایی نداشته است، در تحقیق خود از یک سطح مقیاس بسیار خرد به یک سطح از موضوع بسیار کلان تغییر جهت داده و همین امر تأثیری منفی بر سطح کیفی و علمی

کتاب گذارده است.

استفاده از منابع

فصل اول کتاب با عنوان "طرح اولیه‌ی عملیات والفجر ۸" با استفاده از منابع کتابخانه‌یی تدوین شده است. هیچ یک از کتاب‌های استفاده شده در این فصل، به طور اختصاصی به عملیات والفجر ۸ نپرداخته‌اند بلکه تنها در بخش یا صفحات محدودی از آن‌ها به شکل گذرا به این عملیات اشاره شده است. نویسنده در این فصل حتی از یک برگ سند

نگارنده در بخش سخنی با خوانندگان، هدف خود را چنین بیان کرده است: «ارتقاء فرهنگ سازمانی، نگاه آموزشی داشتن و نمایاندن هم‌کاران خود و احترام به پیشکسوتان»

فصل سوم کتاب در خصوص دستاوردهای آموزشی است. نویسندگان در پایان کلیات این فصل (صفحه ۱۸۳) می‌نویسد:

"با گذشت زمان که اطلاعات کهنه و سوخته می‌شوند، لازم است در هر مورد از امور جنگ به طور تخصصی توانایی و ناکارآمدی‌ها شناسایی و در بی‌اثر کردن ضعف‌ها و ارتقاء سطح کیفی و توانایی‌ها، اقدام شایسته و جدی به عمل آید. [...]

در پس این نتیجه‌گیری با بر شمردن نکات مثبت و منفی به تحلیل آموزش شرکت یگان‌های توپخانه در عملیات والفجر ۸ می‌پردازیم."

نویسندگان در این فصل تنها به مصاحبه با چندتن از خدمه‌های توپ و فرماندهان آتشبار

و گردان‌های توپخانه‌ی یگان‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی و استفاده از پایان‌نامه‌ی سرهنگ پاسدار نوشادی و برداشت‌ها و تحلیل‌های شخصی و غیر مستند بسنده کرده و براین اساس به بیان نکات مثبت و منفی عملیات والفجر ۸ پرداخته است. در این قسمت هم روش مصاحبه نامشخص و جامعه‌ی آماری نامعلوم می‌باشد.

محقق کتاب، مشاهدات میدانی از عملیات والفجر ۸ ندارد

در ادامه نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها و برداشت‌های نویسندگان آمده است:

"از ستوان دوم عبدالله فرزانه جمعی گردان ۳۷۶ توپخانه که در عملیات والفجر ۸ به عنوان رئیس توپ ۱۲۲ م.م. کاتیوشا خدمت می‌کرده است، پرسیدم چند سال است رئیس توپ هستید؟

گفت: ۱۷ سال است رئیس توپ کاتیوشا می‌باشم.

سوال: می‌توانید حدس بزنید چند موشک

چند برگ سند که ارتباط مستقیم با متن عملیات ندارد، ارجاع داده شده است. نویسندگان در تحلیل و نتیجه‌گیری از موضوعات مطرح شده از اسناد متقن و معتبر بهره نبرده است.

در پایان بخش اول، در فصل اول، به عملکرد هوانیزو با اتکاء به مصاحبه با خلبانان پرداخته شده است. در این قسمت هم چندین اشکال وجود دارد از جمله: مصاحبه‌ها روشمند و علمی نیست؛ پرسش‌ها هر یک مجزا از دیگری می‌باشد؛ اطلاعات این بخش به سندی ارجاع داده نشده و جدول‌ها و نکاتی که بیان می‌شود فقط متکی به حافظه‌ی خلبانان (آن هم به شکل پراکنده) است و افزون بر این موارد روش آزمون هم بیان نشده است.

نویسندگان، بخش دوم فصل دوم را به نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ اختصاص داده و در آغاز این بخش می‌نویسد:

"با وجود این که در مدت ۱۸ ماه که مسئولیت تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات در این خصوص داشتم، بارها به مراجع ذیصلاح در ستاد نیروی هوایی و اداره‌ی سوم ستاد مشترک مراجعه نمودم، اما نتوانستم حتی یک برگ سند رسمی در مورد فعالیت نه‌اجا در عملیات والفجر ۸ را به دست آورم."

نویسندگان در این بخش از تحقیق به مصاحبه و چند مورد ارجاع به کتاب‌های غیر تخصصی درباره‌ی عملیات والفجر ۸ بسنده کرده است. او خود در صفحه‌ی ۱۴۷ کتاب آورده است:

"پیشاپیش اعتراف می‌کنم این نوشتار نه این که بیان‌کننده‌ی آنچه این نیرو انجام داده است، نیست، بلکه به یقین اشاره‌ی بسیار جزئی، سطحی و غیر تخصصی به آنچه انجام گرفته است، به شمار می‌آید."

در بخش سوم این فصل نقش نیروی دریایی ارتش در عملیات والفجر ۸ تنها در سه صفحه مورد بررسی قرار گرفته است، بی‌آن که اطلاعات ارائه شده به اسناد یا مدارکی ارجاع داده شده باشد.

تیراندازی کرده‌اید؟

پاسخ: خدا می‌داند، شاید ۱۵ هزار موشک که ۱۰ هزار آن را در همین عملیات فاو بود.

سوال: چرا در این عملیات زیاد تیراندازی کرده‌اید؟
خودم هم نمی‌دانم، ولی هر چه دیدبان درخواست می‌کرد، مجبور بودیم بزنیم. [...] (صفحه‌های ۲۱۴ و ۲۱۵)
چنین گفت با دیده‌بان پهلوان
که بیداردل باش و روشن‌روان
بدو دیده‌بان گفت از هیچ روی

نبینم همین جنبش و جست و جوی. (فرودسی)
دیده‌بانی در یگان‌های توپخانه چنان مهم

است که به عنوان چشم و گوش معروف شده است. [...] (صفحه‌ی ۲۱۱)

اگر چه در ایام جنگ، به علت کمبود افسر وظیفه از پرسنل وظیفه با حداقل مدرک دیپلم استفاده گردید و این پرسنل یک دوره‌ی آموزشی ۸ هفته‌ی در مرکز آموزش توپخانه را طی می‌کردند، [...] با این وصف بعضی از فرماندهان که از نزدیک با مسائل توپخانه درگیر بودند،

این میزان آموزش را کافی نمی‌دانند و گاه بی‌گاه از وضعیت آموزش دیده‌بان‌ها اظهار نگرانی می‌کردند. (صفحه‌ی ۲۱۲)

عامل اصلی ضعف تحقیق را - که خود نویسنده هم در پیشگفتار کتاب به آن اذعان کرده است - می‌توان مربوط به ماهیت تحقیق دانست زیرا این پژوهش در ابتدا از نوع مطالعه‌ی موردی با عنوان "نقش توپخانه‌ی ارتش در فاو" بوده است

محتوای کتاب

بیش از دو دهه از پایان جنگ عراق علیه ایران می‌گذرد، در این دوره اگرچه در برخی آثار مکتوب، سخن‌رانی‌ها، نوشته‌ها، مقالات و... افراد غیرکارشناس و غیر نظامی تحریفات یا تبلیغاتی را درباره‌ی دوران دفاع مقدس عرضه کردند. اما سؤال

این است که چرا مهم‌ترین مرکز تحقیقاتی و پژوهشی ارتش جمهوری اسلامی (هیئت معارف جنگ شهید سپهد علی صیادشیرازی)، در خصوص تاریخ‌نگاری دفاع مقدس اقدام به انتشار چنین کتابی می‌کند که در آن تحریفات تاریخی، برداشت‌های غلط و درکی ناقص و گمراه‌کننده از جنگ مطرح می‌شود.

مبنای هر تحقیقی در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری بر منابع و روش استوار است. نویسنده‌ی کتاب ارتش در فاو در تحقیقات خود، آن‌طور که باید به این دو اصل مهم (منابع و روش) توجه نداشته است، به همین دلیل این کتاب به لحاظ علمی انسجام و اتقان متن فاقد ارزش نقد محتوایی می‌باشد. اما چنانچه کتاب جدا از عنوان و موضوع تحقیق کتاب، در نظر گرفته شود و تنها اطلاعات گردآوری شده و درک نویسنده از موضوع مورد نقد و بررسی قرار گیرد، موارد متعددی از اشکالات محتوایی را می‌توان برشمرد که در این مقاله مجالی برای پرداختن به همه‌ی آن‌ها نیست و تنها به چند مورد بسنده می‌شود:

۱. نویسنده‌ی کتاب در هیچ یک از فصول یا بخش‌ها خواننده را با کلیاتی از عملیات والفجر ۸ که ترکیبی است از جایگاه عملیات در استراتژی نظامی؛ موقعیت جغرافیایی منطقه؛ استعداد و ترکیب قوای خودی و دشمن؛ طرح‌ریزی عملیات؛ طرح مانور؛ تشریح کلی اجرای عملیات؛ ارزیابی و نتایج عملیات و... آشنا نمی‌کند و بنابراین ممکن است در ذهن مخاطب متبادر شود که نویسنده اطلاعاتی از عملیات ندارد. آیا لازم نبود نویسنده در فصل اول کتاب به کلیاتی از آغاز تا پایان عملیات می‌پرداخت و سپس نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران را در دامنه‌ی کلی عملیات ارزیابی و بررسی می‌کرد.

۲. بر کسی پوشیده نیست که در عملیات گسترده‌ی والفجر ۸ - که شاهکار عملیات‌های نظامی دوران هشت سال دفاع مقدس بوده است - همه‌ی مراحل از آغاز طراحی تا آماده‌سازی، سازمان رزم،

در متون ادبی یا اجتماعی به کار گرفته می‌روند- در آغاز یا پایان مباحث مطرح شده، سبب کاسته شدن از ارزش تحقیقاتی و پژوهشی متن کتاب شده است. ۵. نویسنده در نگاه اجمالی درباره بعضی عوامل مهم و تأثیرگذار در عملیات چنین نوشته است:

در ارزیابی توقف عملیات والفجر ۸، و یا به طور اساسی‌تر، توقف گاه و بی‌گاه در ادامه‌ی جنگ با توجه به عدم تغییر در سیاست کلی نظام و اراده‌ی سیاسی برای رسیدن به پیروزی قطعی، به یک نکته‌ی بسیار مهم و تعیین‌کننده برمی‌خوریم و آن تغییر در روش و شیوه‌ی جنگیدن است، لذا ملاحظه می‌شود در

هیچ‌ده ماه بعد، همین طرح با دو فرماندهی (سپاه و ارتش) به اجرا درآمد. این رخداد در شرایطی است که اگر نگوییم امکانات کاستی یافته بود، به طور یقین چیزی اضافه نشده بود. بررسی دقیق روش‌های به کار گرفته شده برای ادامه‌ی جنگ، علل افت و خیزها و فرود و فرازهای دوران جنگ را نمایان می‌کند. اما قبل از هر چیزی با یاری جستن از گنجینه‌ی گلستان استاد

سخن سعدی، زمینه‌ی مناسبی برای پی‌گیری تحلیل‌های شاید ملال‌آور را فراهم می‌نماییم.

کس خوش‌تر از خویشان‌داری نیست که با خوب و زشتش کس کار نیست

تو را دیده در سر نهادند و گوش

دهان جای گفتار و دل جای هوش

مگر باز دانی نشیب از فراز

نگویی که این کوتاه است؛ آن دراز (صفحه ۸)

۶. «گرچه یک کار تحقیقی از اثربخشی گلوله‌های

توپ‌خانه به عمل نیامده است، اما نقل قول‌های

فرماندهی و ... به طور کامل با همت و تلاش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام شده است و تنها در بخشی از فعالیت‌های پشتیبانی از نیروهای هوایی (پدافند و یگان هوایی) و دریایی و یگان‌های توپ‌خانه و هوانیروز نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی به سپاه پاسداران کمک کرده‌اند؛ که این مهم در کتاب لحاظ نشده است.

گواه این امر ده‌ها هزار برگ سند نظامی و غیر نظامی است، اعم از اسناد مکتوب که شامل طرح مانور عملیات، دستورات عملیاتی، گزارش‌های نوبه‌یی، نوار جلسات قرارگاه‌ها و لشکرها، دفاتر و گزارش‌های راویان حاضر در قرارگاه‌ها و یگان‌های عملیاتی در عملیات، کالک‌های عملیاتی، بولتن‌های محرمانه، نشریات و ... که در مراکز نظامی و غیر نظامی موجود است و تنها لیست بخشی از این اسناد که در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس موجودند در پیوست مقاله آمده است.

۳. نویسنده از دیدگاه‌ها و ارزیابی‌های گوناگون در سطوح نظامی درباره‌ی نقش ارتش در عملیات والفجر ۸ استفاده نکرده است. عملیات والفجر ۸ تحت فرماندهی و سازمان رزم سپاه انجام شده است و همان‌گونه که گذشت یگان‌های ارتش اعم از نیروی زمینی، هوایی و دریایی تحت امر فرماندهی قرارگاه‌های سپاه پاسداران مأموریت پشتیبانی را انجام داده‌اند، بنابراین می‌بایست نقش ارتش در عملیات والفجر ۸ در اسناد و مدارک سپاه پاسداران و همچنین دیدگاه‌های فرماندهان اصلی سپاه در عملیات یعنی سرداران رضایی، شمخانی، صفوی، رشید، غلامپور، علایی، محتاج و ... مورد بررسی قرار می‌گرفت. هر چند نویسنده از مصاحبه با فرماندهان اصلی ارتش در این عملیات همچون امیران حسنی، سعدی، سلیمان‌جاه، جمالی، عبادت، جلالی، موسوی، انصاری و ... هم دریغ کرده است.

۴. به کارگیری شعر، تمثیل و نظایر آن- که معمولاً

نویسنده از دیدگاه‌ها و ارزیابی‌های گوناگون در سطوح نظامی درباره‌ی نقش ارتش در عملیات والفجر ۸ استفاده نکرده است

اینک بعد از گذشت سال‌ها این تجربه فراروی ماست که:

الف) تجربه‌ی به کارگیری دو نیرو به طور مشترک با فرماندهی مستقل و با نادیده گرفتن اصل وحدت فرماندهی، گرچه در مقطعی، جواب مثبت داده است، ولی تجربه‌ی موفق نبوده است و در درازمدت، شکننده غیر قابل اعتماد و اختلاف‌برانگیز است و نیازمند یک هیئت حل اختلاف در شرایط ویژه و در هر رده‌ی فرماندهی می‌باشد. این نوع مدیریت در فضای بحرانی جنگ - که لحظه‌ها در تصمیم‌گیری سرنوشت‌ساز هستند - کاربرد مناسبی ندارد.

ب) با توجه به این که اقدام فوق در یک جنگ طولانی و در شرایطی انقلابی به وسیله‌ی نیروهای مؤمن، فداکار، مسئولین دلسوز و خیرخواه و با رهبری امام خمینی (ره) به کار گرفته شد و موفقیت‌ها به دلیل این ویژگی‌ها بود، اما در عمل و در درازمدت، با مشکلات و در نهایت ناهماهنگی و تنش‌های فراوانی رو به رو گردید و آسیب‌هایی به بار آورد.

ج) گرچه ممکن است افکار سیاسی مانع انتخاب راه‌کارهای مناسب در شیوه‌ی مدیریت دفاعی کشور شود، اما نباید فراموش کرد که تضمین امنیت پایدار برای کشور از هر باور و گمانی مقدم‌تر است. والتر لپمن **Wolterlipman** نویسنده و محقق آمریکایی می‌گوید: "یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ، بتواند ارزش‌های ملی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد. امنیت ملی عاملی برای حفظ ارزش‌های ملی یک کشور است." (صفحه ۲۰-۱۹)

۱۱. نویسنده در موارد متعددی به موضوعات بی ارتباط و همچنین به تعاریف مفاهیم نظامی در تشریح مسائل پرداخته است، به طور مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد: اصل وحدت فرماندهی (صفحه ۸)،

عوامل دست‌اندرکار به ویژه اسرای جنگی دشمن، نویدبخش است.» (صفحه ۹۷)

۷. «برابر آمارهای منتشر شده از سوی سپاه پاسداران، در عملیات والفجر ۸ بیش از ۶۰۰ دستگاه تانک و نفربر زرهی منهدم گردیده است که حاصل تلاش رصدهای موشک‌انداز ضدزره بوده است.» مشخص نیست که نویسنده با چه مدرک و چه تحقیقاتی به این نتیجه رسیده است؟! (صفحه ۷۹)

۸. «گرچه برای کسب اطلاعات در خصوص چگونگی شرکت یگان‌های پل در عملیات والفجر ۸ تلاش زیادی گردید، اما به جز نامه‌ی شماره ۳۰۰۱/۱۸/۸۱/۷۸۱۱- قرارگاه عملیات جنوب مدارک دیگری به دست نیامد.» (صفحه ۷۹)

۹. «ارتش جمهوری اسلامی ایران به ویژه نیروی زمینی همیشه به دو طریق فرهنگی و نظامی در جنگ ظاهر می‌گردید.» (صفحه ۳۶)

۱۰. "در مواردی حتی برای انتخاب فرمانده مناسب، برای یگان‌های تشکیل‌شده

و مهیا کردن سلاح‌های سنگین پیاده با مشکل رو به رو می‌شدند و نیاز به پشتیبانی جدی بود، در مجموع عدم برخورداری از سلاح‌های سنگین پیاده، سلاح‌های زرهی، توپ‌خانه، پشتیبانی هوایی، مراکز آموزشی جهت ارائه‌ی آموزش‌های مناسب، محدود بودن مدت خدمت نیروهای بسیج، جوان بودن، عدم استحکام بنیان‌های انضباطی، عدم آگاهی و باور به رعایت اصول جنگ و روش‌های کلاسیک مورد قبول ارتش‌ها در سطح جهان را می‌توان به عنوان مشکلات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اجرای عملیات به طور مستقل مورد نظر قرار داد." (صفحه ۲۵)

به کارگیری شعر، تمثیل و نظایر آن - که معمولاً در متون ادبی یا اجتماعی به کار می‌روند - در آغاز یا پایان مباحث مطرح شده، سبب کاسته شدن از ارزش تحقیقاتی و پژوهشی متن کتاب شده است

جدول نیروهای سه‌گانه‌ی ارتش (صفحه ۱۸)، یگان‌های توپ‌خانه‌ی صحرايي (صفحه ۹۷)، اهميت پدافند (صفحه ۴۱)، دیدبانی (صفحه ۲۱۱)، آتش‌بار (صفحه ۲۰۴)، پوشش تاکتیکی (صفحه ۴۴) و نقش ارتش در جنگ (صفحه ۳۶).

ساختاری

در بررسی ساختار ظاهری کتاب می‌توان به این نکات اشاره کرد:

۱. فصول کتاب نامنسجم، ناپیوسته و پراکنده است؛ فصل اول درباره‌ی طرح اولیه‌ی عملیات والفجر ۸ است و سپس فصل دوم به نقش ارتش و فصل سوم به دستاوردهای آموزشی توپ‌خانه می‌پردازد. ۲. انتخاب عناوین در برخی موارد غلط و در برخی دیگر نامربوط به مطالب می‌باشد. برای مثال می‌توان به ابعاد نظامی شرکت نیروی زمینی ارتش (صفحه ۳۸)، ادغام نیروها (صفحه ۲)، شرکت در طراحی (صفحه ۱۳۹) و حذف رسد دیدبانی (صفحه ۲۱۱) اشاره کرد. ۳. کتاب تنها در فصل دوم بخش‌بندی شده است و در فصل اول و سوم موضوعات با تیترو تفکیک شده‌اند. ۴. فصول کتاب فاقد مقدمه هستند و تنها متنی هم که در آغاز فصل اول نوشته شده است ربطی به مطالب این فصل ندارد.

۵. عناوین داخل فصل هم همانند فصول کتاب نامنسجم، پراکنده و ناپیوسته می‌باشد. برای مثال:

فصل یکم: طرح اولیه‌ی عملیات والفجر ۸
مقدمه، نگاهی اجمالی به بعضی از عوامل مهم تأثیرگذار در عملیات‌ها
۱. اصل وحدت فرماندهی
۲. ادغام نیروها
۳. جدایی نیروها
۴. وضعیت ارتش

۵. وضعیت سپاه پاسداران

۶. نتیجه

۶. نحوه‌ی ارجاع نویسنده در پانوشته‌ها علاوه بر یکسان نبودن، عمدتاً اشتباه است: « ناگفته‌های جنگ صیادشیرازی؛ ص ۳۳۲، ص ۲۹؛ درودیان محمود؛ جنگ بازیابی ثبات، ص ۱۰۴۷، (ص ۹۸)؛ از خرمشهر تا فاو ص ۲۰۷، (ص ۹۸)؛ اسدی؛ هیبت‌الله، نشریه‌ی ضد آتش، ص ۹۷؛ (ص ۲۰۹) و نوار مصاحبه شماره ۱۱، (ص ۱۶۱).

۷. متن کتاب ویراستاری نشده است و از نظر ویرایشی و تایپی اشتباهات فراوانی دارد.

۸. عنوان کتاب با موضوع تحقیق هم‌خوانی ندارد.

زبان و سبک

مؤلف در پیشگفتار کتاب ذکر کرده است که با استفاده از ادبیاتسی متفاوت و آوردن نشانه‌های جذاب، فضای مناسبی برای خوانندگان ایجاد کرده است تا خواننده با اشتیاق مطالب را پی‌گیری کند.

متن کتاب از نظر زبانی

یکنواخت نیست. در نقل قول‌های مستقیم از فرماندهان، زبان گفتار از نوع عامیانه و در تحلیل اطلاعات از زبان نوشتار و رسمی استفاده شده و در مجموع زبان کتاب، ترکیبی از عامیانه و رسمی است، حال آن‌که کتاب‌های علمی از نوع تاریخی و پژوهشی، باید به زبان علمی و رسمی در قالب گزارش نوشته شوند.

نمونه‌هایی از متن کتاب چنین است:

"نقش با ارزش توپ‌خانه به عنوان مشقت فرمانده همیشه مورد اقبال آشنایان به امور نظامی بوده و

نویسنده در صفحه ۳۶ کتاب

ارتش را اینگونه تعریف می‌کند:

«ارتش جمهوری اسلامی ایران به

ویژه نیروی زمینی همیشه به دو

طریق فرهنگی و نظامی در جنگ

ظاهر می‌گردید.»

هست، در فراز و فرود جنگ ناخواسته چه بسیار فرماندهان یگان‌های پیاده و زرهی خط مقدم به بیان این که با شنیدن صدای شلیک توپ‌خانه آرامش یافته‌اند پروا نداشته و ندارند، این فرماندهان از وجود توپ‌خانه‌های همیشه بیدار ارتش جمهوری اسلامی ایران در سخت‌ترین شرایط احساس امنیت می‌کرده‌اند." (صفحه ۹۷)

پیش دیوار آن‌چه گویی هوش‌دار
تا نباشد در پس دیوار گوش
در سخن با دوستان آهسته باش
تا ندارد دشمن خون‌خوار گوش

عدم رعایت اصول حفاظتی و بازگو کردن اطلاعات مربوط به جبهه و جنگ در سطح جامعه را می‌توان به عنوان یک نکته‌ی تاریک و عادت ناپسند برای رزمندگان یاد کرد که به دلیل عدم آموزش کافی و یا در پاره‌یی موارد با تفکر نادرست مردمی بودن جنگ، انجام می‌گرفت که از این بابت آسیب‌های مادی و معنوی بسیار را متحمل شدیم."

"گزاره‌ی ناخوشایند: آگاه شدن بقال سرک‌وچه از عملیات‌ها قبل از پرسنل درگیر در عملیات" که بر سر زبان‌ها بود." (صفحه ۱۹۳)

"گرچه نزاجا آن‌چنان استعدادی از جنگ‌افزارهای هوایی در اختیار ندارد که بتواند در طرح پدافندی منطقه‌یی شرکت کند، اما آمارهای موجود نشان می‌دهد که درصد بالایی از جنگ‌افزارهای خود را در ایام جنگ در پدافند از مناطق حساس و حیاتی کشور در شهرها و اطراف شهرها به کار گرفته است و همین مسئله در بیش‌تر موارد پدافند از یگان‌های در خط را به طور جدی با مشکل روبه‌رو می‌کرد. شاید اگر ترتیبی اندیشیده می‌شد که برابر مأموریت نیروی زمینی از سلاح‌های پدافند هوایی استفاده می‌گردید، یگان‌های رزمی با آرامش خاطر بیش‌تری به اجرای مأموریت می‌پرداختند و تلفات و ضایعات

کم‌تری می‌دیدند." (صفحه ۹۵)

"نزاجا بی‌درنگ با توجه به رسالت خود، برای فراهم کردن مداومت پشتیبانی آتش از عملیات غرورآفرین والفجر ۸ و بازیابی روحیه پرسنل در حد امکان و حفظ آمادگی رزمی یگان‌های توپ‌خانه و پایین آوردن سطح تعمیرات از طریق قرارگاه عملیاتی جنوب اقدام به صدور دستورالعمل شماره ۱۹/۴۵۵-

۱۳۶۴/۱۲/۲۸ برای تعویض هشت گردان توپ‌خانه در کنترل عملیاتی سپاه پاسداران قرار داد." (صفحه ۱۰۷)

"ارتش جمهوری اسلامی ایران به ویژه نیروی زمینی همیشه به دو طریق فرهنگی و نظامی در جنگ ظاهر می‌گردید. بخش فرهنگی که با اثرگذاری عمیق حماسی و آرمانی در روح و فکر فرزندان پاکباز و فداکار این مرز و بوم همراه است، برای همیشه‌ی تاریخ در روشنگری نسل‌های آینده ماندگار می‌ماند، تغییر معانی آرمانی و ازگان مرگ و زندگی، گذشت و ایثار، حمیت و هم‌کاری، مردی و مردانگی و در نهایت دین و دین‌داری از جمله دستاوردهای فرهنگی به جا مانده از جبهه و جنگ است که به وسیله‌ی رزمندگان به وقوع پیوسته است نقل‌گاه و بی‌گاه آنان در کنار فعالیت‌های نظامی و اقدامات فیزیکی لازم و ضروری می‌نماید." (صفحه ۳۶)

"در شرایطی که احتمال حملات گسترده‌ی شیمیایی وجود داشت، نزاجا در یک اقدام غیر منتظره و با قبول خطر فراوان دست به جمع‌آوری ۳۵۰۰۰ دستگاه ماسک ضد گاز از سطح یگان‌های مستقر در خطوط پدافندی زد و به طور غیر معمول ۳۵۰۰۰ نفر از عزیزترین فرزندان میهن اسلامی در مقابل دشمن بریده از تمام قراردادهای انسانی، را به یک ایثار بزرگ دست زدند تا بدین وسیله هیچ حرف و حدیثی در عزم راسخ پشتیبانی بی‌دریغ ارتش از سپاه در عملیات فاو ایجاد نشده و وحدت و هم‌دلی و دفاع از برادر هم‌رزم باز هم به منصفی ظهور عینی برسد." (صفحه ۸۳)